

صنایع دستی و بازتاب آن در

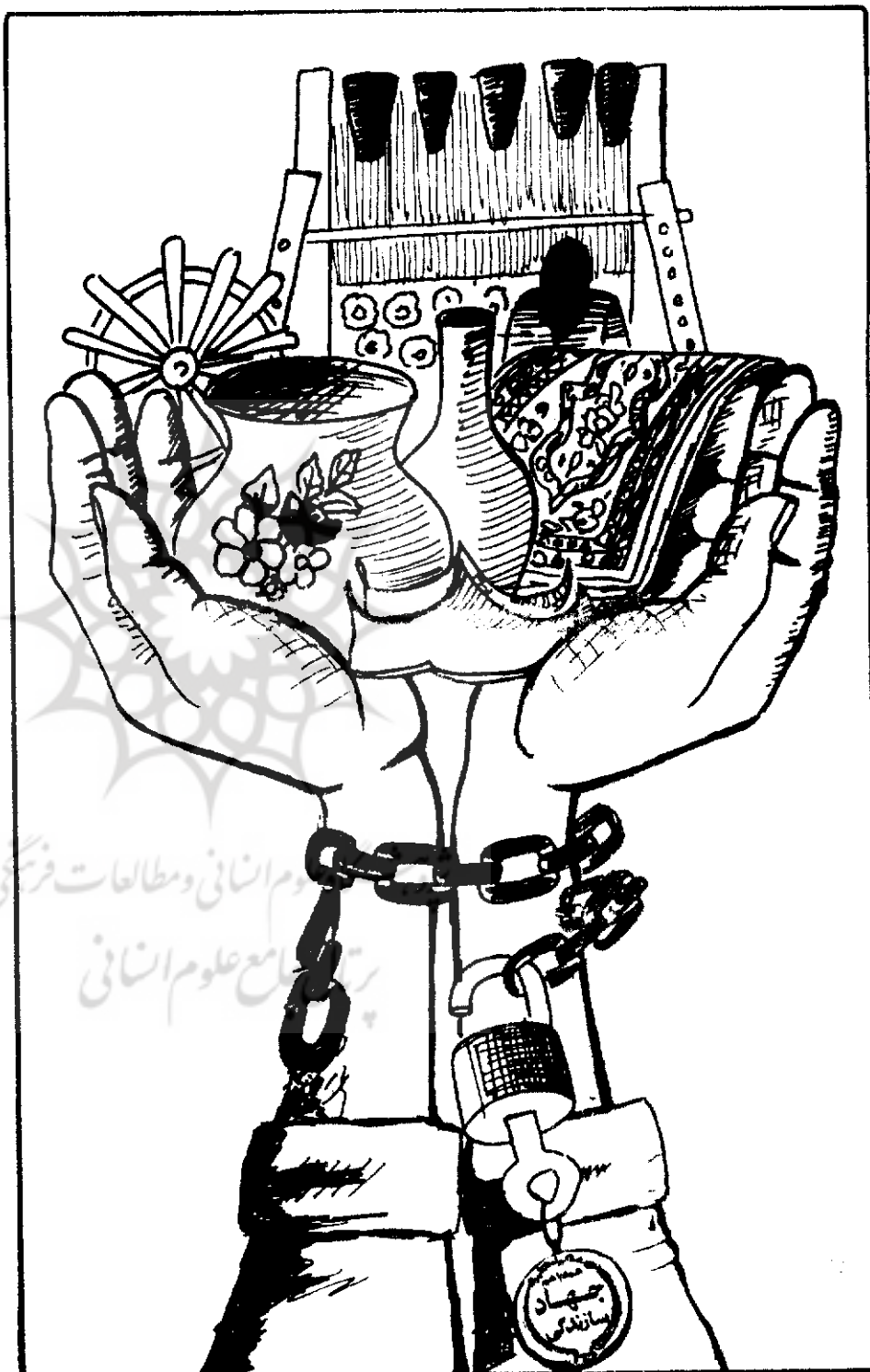
عدم مهاجرت روستائیان، توسعه صادرات و تولیدات ملی و احیای صنایع دستی

بسمه تعالی

مقدمه

صنایع دستی شامل تولید کالاهایی می شود که علاوه بر جنبه مصرفی دارای ویژگیهای هنری نیز میباشند و این ویژگی بصورت طرحها، نقوش و رنگهای گوناگون و خاص هر ناحیه متجلی میگردد. اساساً تولید این کالاها مبتنی بر وجود احتیاجات شخصی و محلی و فراهم بودن مواد اولیه لازم در محل میباشد. به این ترتیب مشاهده می شود که در نواحی سردسیر کوهستانی بعلت نیاز شدید به پوشاک گرم در زمستان و همچنین در نتیجه رواج دامداری و وجود پشم کافی در محل، تولید محصولات پشمی نظیر انواع پارچه، جاجیم، دستکش، جوراب و کلاه متداول است. در نواحی ساحلی اغلب بافت حصیر و سیدازنی و بامبرو رواج دارد و بهمین نحو در مناطقی که منابع خاک رس، سنگ کوارتز و یا کاتولین فراهم میباشد صنعت سرامیک سازی از رونق کافی برخوردار است. البته صنایع دستی، خود از دو رشته عمده یعنی صنایع دستی شهری و صنایع دستی روستائی تشکیل میگردد. این دو رشته فعالیت با آنکه از نظر ماهیت یکسان است ولی از جهت هدف و شرایط تولید تفاوتهای زیادی با هم دارد که عبارتست از:

- ۱- صنایع شهری عمدتاً بصورت فعالیت اصلی و دائمی بوده و مهمترین منبع درآمد و گاه تنها معر عایدی افراد شاغل و خانواده آنها را تشکیل میدهد، در صورتیکه صنایع دستی در سطح روستا اغلب بعنوان فعالیت فرعی در فاصله زمانی کاشت و برداشت محصولات زراعی رواج دارد.
- ۲- صنایع دستی شهری اغلب در کارگاهها تمرکز داشته و نیروی انسانی شاغل را مردان تشکیل میدهند در حالیکه صنایع دستی روستائی بطور کلی جنبه خانگی داشته و بهمین علت نیروی فعال تولیدی عمدتاً از زنها تشکیل میشود.
- ۳- تولید فرآورده های دستی در شهرها توأم با



تقسیم کار بوده و درجات شغلی بصورت کارآموزی، کارگری و استادکاری مشاهده می شود. علاوه سیستم کارفرماتی و مزدگیری از ویژگیهای عمده صنایع دستی شهری است در صورتیکه تولید محصولات دستی روستائی بصورت خانگی بوده یعنی بکمک همسر و فرزندان صنعتگر انجام میگردد و بندرت از مزدگیر در امر تولید استفاده میشود.

۴- در صنایع دستی شهری، تولید فرآورده غالباً به تبعیت از روند بازار و با محاسبه کلیه هزینه های متصور و پیشبینی مبلغی بعنوان سود خالص صورت میگردد ولی چون محصولات دستی روستائی اغلب برای رفع نیازهای شخصی و خانوادگی تولید میگردد لذا حساب هزینه و قیمت تمام شده کمتر در آن ملحوظ میباشد بخصوص که مواد اولیه مصرفی نظیر پنبه، پشم، ابریشم، چوب و یانی عموماً توسط خانوار تهیه و فراهم شده و برای آن قیمتی پرداخت نگردیده است.

۵- کالاهای دستی شهری علاوه بر جنبه مصرفی دارای ارزش هنری و تزئینی نیز میباشد در صورتیکه فرآورده های دستی روستائی صرفاً بمنظور رفع نیازهای اولیه زندگی و اغلب بصورت پوشاک، فرش و ظروف مختلف تهیه می شود. سایر عواملی که موجب تفاوت صنایع دستی شهری و روستائی شده عبارت از اختلاف سطح تخصص و مهارت صنعتگران دستی در شهر و روستا، متفاوت بودن ماهیت احتیاجات مصرف کنندگان و تفاوت ابعاد بازارها در شهر و روستا میباشد صنایع دستی متداول در شهرها و روستاها عبارتست از: دستیابی اعم از بافت فرآورده های پشمی، پنبه ای، ابریشمی و کفی سوزن دوزی و قلاب پلفی - شیشه گری

* اغلب کشورهای درحال

توسعه که تولید کننده بسیاری از مواد خام نظیر پنبه، پشم، کنف، پوست، چوب و برخی مواد معدنی نظیر سیلیس و کوارتز میباشند عمدتاً آنها را بهمان صورت اولیه و به بهای نازل به قارج صادر میکنند در صورتیکه اگر از مواد مذکور در تولید مصنوعات دستی استفاده شده و سپس این کالاها صادر شود درآمد کشورهای تولید کننده چند برابر خواهد شد.

دستی - سفال و سرامیک سازی - ساخت فرآورده های چوبی - بافت انواع حصیر و سبد از نی و بامبو - ساخت محصولات از چرم و پوست حیوانات.

صنایع دستی و تکنولوژی

دستیابی به تکنولوژی جدید و صنعتی شدن کامل یکی از مهمترین هدفهای ممالک در حال رشد را تشکیل میدهد ولی باید متذکر شد که صنعتی شدن به تنهایی نمیتواند بیکاری را برطرف کند. این واقعیت در کشورهایی که بدون در نظر گرفتن شرایط

خاص اقتصادی و اجتماعی خود اقدام به استفاده وسیع از فنون کاملاً جدید تولیدی نموده اند به نحو بارزی جلب توجه میکند، زیرا افراط در اقتباس از الگوهای مسالک پیشرفته صنعتی موجب تشدید بیکاری می شود در صورتیکه کاربرد روشها و فنون متداول در بسیاری از صنایع مصرفی نظیر پارچه بافی، صابون سازی و شیشه گری علاوه بر آنکه موجب فراهم کردن امکانات کاربری عده زیادی از افراد آماده بکار میگردد ضمناً به علت سادگی تکنیک نیازی به ایجاد دوره های آموزش فنی و استفاده از خدمات کارشناسان و تکنسینهای خارجی هم نمی باشد البته هرچند که ثبات تکنیک و اتکاء فوق العاده به نیروی بدنی صنعتگر، از مهمترین خصوصیات صنایع دستی و روستائی است معهداً انواع ابزار و روش تولید نیز در مدت طولانی کاملاً ثابت نبوده و تا حدود زیادی از تحولات فنی و صنعتی تبعیت میکند. در نتیجه اختراع بعضی ابزار و وسائل جدید، قسمتهائی از مراحل آماده کردن مواد اولیه ساخت و یا تکمیل محصولات دستی تدریجاً از صورت دستی خارج شده و توسط دستگاهها یا ماشینهای مختلف انجام میگردد البته این امر تا آنجا قابل قبول است که موجب تغییر ماهیت محصولات دستی و تبدیل آن به یک کالای ماشینی نشود اصولاً علل زیر را میتوان برای استفاده از ابزارآلات ماشینی در رشته صنایع دستی و روستائی ذکر کرد.

۱- از بین بردن بیکاری، فعالیتهای سخت بدنی و کارهای غیرتخصصی ۲- افزایش قدرت تولید ۳- تقلیل برخی هزینه های تولید ۴- ایجاد استاندارد در قسمتهائی از تولیدات صنایع دستی. بدین منظور در مرحله آماده کردن خاک لازم جهت ساخت محصولات سرامیک بجای آنکه کارگر با مشقت زیاد و بکمک پتک و چکش، سنگ را خرد کرده و سپس با آسیاب دستی آنرا نرم کند، استفاده از دستگاه سنگ خردکن و همچنین استفاده از آسیاب برقی جهت نرم کردن سنگ و خرد شیشه معمول گردیده، چون علاوه بر آنکه این اقدام هیچگونه لطمه ای به اصالت صنعت سرامیک دستی وارد نمیسازد ضمناً موجب تقلیل هزینه تهیه خاک مصرفی تا میزان یک سوم و افزایش بازده کار تاده برابر می شود و از نیروی کارگر آزاد شده در این مرحله میتوان با مختصر آموزشی در مرحله ساخت ورق بونید

رابطه صنایع دستی و روستائی با سایر فعالیتهای اقتصادی

سایر فعالیتهای تولید		نام صنعت
رشته تولیدی	مواد حاصله	
کشاورزی	پنبه، گتان، کنف، ابریشم	دستیابی
دامداری	پشم و کرک	دستیابی (شامل، فرش، گلیم، پارچه های پشمی)
ریسندگی ماشینی	انواع نخ ریسیده	دستیابی
ساجی ماشینی	انواع پارچه پشمی و پنبه ای	سوزن دوزی و قلاب دوزی
استخراج معدن	سنگهای کوارتز، سیلیس، کائولین	سرامیک سازی و شیشه گری
استخراج معدن	انواع سنگ مرمر، ظریف و غیره	ساخت اشیاء سنگی
باغداری و جنگل کاری	چوبهای مختلف	تازک کاری، چوب و خاتم سازی
دامداری	پوست و چرم	پوشتن دوزی و ساخت فرآورده های چرمی

*** چون صنایع دستی اساساً متکی به منابع داخلی است از اینرو بطور معمول بیش از ۸۰ درصد تهیه و فراهم میگردد، طبعاً هرگونه افزایش در میزان تولید و فروش فرآورده های دستی اثر مستقیمی در ازیاد تولید ناخالص ملی دارد.**

کاهش مییابد.

اهمیت صنایع دستی و روستائی در توسعه صادرات

با توجه به ساختمان اقتصادی کشورهای در حال توسعه ملاحظه می شود که صادرات اینگونه کشورها فاقد تنوع لازم بوده و عمدتاً محدود به یک یا دو ماده عمده است و در اغلب موارد ۷۰ تا ۹۰ درصد درآمد ارزی آنها را تامین میکند نظیر صادرات پنبه مصر، قهوه یزیدل مس شیلی و کف بنگلادش. بطوریکه تجربیات حاصله از بازرگانی بین المللی تاکنون نشان داده، با مختصر کاهشی در بهای جهانی این مواد، به یکبار تراز پرداختهای اینگونه ممالک دچار چنان کسری می شود که حیات اقتصادی آنها را تهدید به نابودی میکند. بعلاوه این کشورها برای آنکه درآمد ارزی بیشتری برای اجرای برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی خود تامین کنند ناگزیر به میزان تولید خود میافزایند در حالیکه افزایش عرضه نسبت به تقاضای جهانی پیوسته موجب کاهش قیمت مواد مذکور شده و عملاً درآمد این ممالک از صادرات مواد خام تغییری حاصل نمیکند. ازینرو چند سال است که سیاست توسعه صادرات با توجه به کیفیت آن یعنی ایجاد تنوع هر چه بیشتر از محصولات صادراتی مورد توجه این کشورها قرار گرفته که صدور اقلام مختلف فرآورده های دستی نیز در تامین این هدف میتواند عامل سازنده و فعالی باشد و در جهت نیل به این هدف توسعه صادرات تاکنون تدابیری نظیر تعلیق واردات به صادرات، دادن جوایز صادراتی،

مصرفی و وسایل و ابزار کار در داخل کشور تهیه و فراهم میگردد، طبعاً هرگونه افزایش در میزان تولید و فروش فرآورده های دستی اثر مستقیمی در ازیاد تولید ناخالص ملی دارد. ولی اغلب کشورهای در حال توسعه که تولید کننده بسیاری از مواد خام نظیر پنبه، پشم، کتف، پوست، چوب و برخی مواد معدنی مانند سلس و کربنات مس مانند عموماً آنها را بهمان صورت اولیه و به بهای نازل به خارج صادر میکنند در صورتیکه اگر از مواد مذکور در تولید مصنوعات دستی استفاده شده و سپس این کالاها صادر شود درآمد کشورهای تولید کننده چند برابر خواهد شد زیرا در طی مراحل مختلف ساخت و تکمیل آن درآمد قابل توجهی عاید نیروهای انسانی فعال این ممالک خواهد گردید. البته سیاست جانشین نمودن صادرات کالاها ساخته بجای مواد خام از مدتی پیش مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته ولی از این سیاست بیشتر در



مورد کالاهاى جدید صنعتی استفاده شده که مشابه کالاهاى ممالک پیشرفته صنعتی بوده و صدور آن بر اثر رقابت کشورهای مزبور با دشواریهای چندی مواجه میباشد. بعلت فقدان آمار و اطلاعات دقیق از میزان تولیدات سالانه محصولات دستى و روستائی در کشورهای در حال رشد که تا حد زیادی ناشی از اهمیت عامل (خود مصرفی) این فرآورده ها در نواحی روستائی و عدم عرضه آن در بازار میباشد، تعیین سهم این رشته در مجموع تولیدات ملی امکان پذیر نیست ولی به برخی برآوردها و تخمین ها در این مورد میتوان اشاره کرد، بطوریکه صنایع دستی و روستائی در درآمد ملی هند دارای سهمی معادل ۱۴ درصد میباشد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سهم این رشته در درآمد ملی بین ۸ تا ۱۶ درصد است معهداً در اینگونه کشورها دولت با توجه خاصى که برای استقرار صنایع جدید در نظر گرفته میشود اهمیت نسبی محصولات دستی در تولیدات ناخالص ملی پیوسته

اشياء سرامیک که یک کار تخصصی است استفاده کرد. البته با استفاده از دستگاه سنگ خردکن هزینه تولید به میزان قابل توجهی کاهش یافته و این امر موجبات توسعه مصرف را در داخل و خارج کشور فراهم خواهد کرد و خرد کردن قطعات بزرگ الوار جهت مصرف در رشته خاتم سازی، نازک کاری و منبت کاری از دستگاههای ارده فر و نمازخانه خشک کردن و اشباع چوب که مانع تغییر شکل فرآورده های چوبی می شود از ماشین چوب خشک کنی استفاده میگردد. برای استفاده مناسب از پیشرفتهای تکنولوژی در بعضی از رشته های مهم صنایع دستی نظیر دستیابی، سرامیک سازی، ساخت فرآورده های چوبی و پوستی میتوان واحدهای تحقیقاتی و آزمایشگاهی با استفاده از کارشناسان دفتر بین المللی کار ایجاد نمود به این ترتیب ملاحظه میشود که تحولات جدید صنعتی و توسعه ماشینزیم تماماً در جهت نابودی صنایع دستی روستائی نبوده بلکه قسمتی از این تحولات نیز به عبود کیفیت، ازیاد میزان تولید و کاهش قیمت تمام شده بسیاری از فرآورده های دستی و روستائی کمک کرده است. برخی کشورها نظیر هند در نتیجه استفاده معقول از ابزار و وسایل ماشینی در تولید فرآورده های دستی در حقیقت از مزایای تولید انبوه در صنایع دستی خود بهره گیری کرده و در نتیجه مشاهده میشود که بهای اینگونه تولیدات آنها میزان قابل توجهی از سطح بهای جهانی فرآورده های مذکور پایین تر است. البته بجای استفاده از ابزار و وسایل ماشینی بمنظور تقلیل هزینه تولید و افزایش بازده کار راه حل معتدل تری نیز وجود دارد به این نحو که با ایجاد برخی تغییرات در ابزار و وسایل تولیدی فرآورده های دستی میتوان با حداقل هزینه بازده کار هر صنعتگر را بمیزان قابل توجهی افزایش داد. مثلاً با صرف هزینه ای حدود یکهزار ریال و استفاده از بلبرینگ در چرخ سفالگری قدرت تولید تا میزان ۵۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد.

همچنین استفاده از ابزار مخصوص رندنی نامبو بجای چاقوی معمولی موجب افزایش بازده کار میزان ۴ تا ۱۰ برابر خواهد شد.

سهم صنایع دستی در تولیدات ملی

چون صنایع دستی اساساً به منابع داخلی است از اینرو بطور معمول بیش از ۸۰ درصد از تولیدات داده ها در این رشته بصورت نیروی کار، مواد اولیه

توزیع جغرافیایی مراکز تولید صنایع دستی و روستایی ایران

نام صنعت	مهمترین مراکز استقرار صنعت
ساجی دستی قالی بافی و گلیم بافی	یزد، اصفهان، مازندران، خراسان، آذربایجان کاشان، کرمان، آذربایجان، همدان، خراسان، اصفهان و فارس - یزد
سوزن دوزی و روکاری ساخت فرآورده های سنگی سفال و سرامیک سازی	بلوچستان، کرمان، اصفهان، آذربایجان، خراسان مشهد، قم، کرمان - نطنز اصفهان، همدان، خراسان، مازندران، فارس آذربایجان شرقی، بلوچستان
شمیشه گری ساخت و فلزنی فلزات نازک کاری و خراطی چوب	تهران، مینند فارس اصفهان، تهران، شیراز گیلان، آذربایجان غربی، کردستان، اصفهان خرزستان
خاتم سازی تولید محصولات پوستی تولید محصولات چرمی تولید فرآورده های دستی از فلزات گرانبها تهیه زیورآلات محلی	اصفهان، تهران، شیراز اصفهان، خراسان - آذربایجان تهران، اصفهان، یزد، تبریز اصفهان، تبریز، شیراز، لار دشت گرگان، کردستان، کرمانشاه، خراسان



خرید اشیاء مصرفی و هنری

۴- رعایت برخی ملاحظات اجتماعی و سیاسی از طرف کشورهای پیشرفته که موجب تعیین سهمیه و معافیت‌های گمرکی برای فرآورده‌های دستی صادراتی ممالک جهان سوم شده است. بمنظور جذب تولیدات دستی در کشورهای خارجی مدتی است که به تبعیت از خواستهای مصرف کنندگان، این فرآورده‌ها با مشخصات جدید و کیفیت بهتر تولید و عرضه می‌شود و در اغلب نمایشگاه‌های بین‌المللی و بازارهای خارجی با تحسین و استقبال بازدید کنندگان و خریداران مواجه میگردد. در نتیجه وجود این زمینه مساعد، از مدتی پیش بعضی از کشورهای در حال توسعه اقدام به ایجاد مراکز

عضویت در اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و غیره از طرف کشورهای در حال توسعه اتخاذ گردیده است.

مهم‌ترین تردیدی نیست که رقابت این کشورها در بازارهای جهانی با ممالک صنعتی که از سابقه و تجربه بیشتر، تکنولوژی پیشرفته‌تر و قدرت اقتصادی قرون تری برخوردار میباشند محدود است. لذا کشورهای مورد بحث بدون آنکه از تلاش خود

برای یافتن بازارهای خارجی جهت تولیدات جدید صنعتی خویش مأیوس شده باشند چند سال است که فعالیت تازه‌ای را بمنظور صدور هر چه بیشتر محصولات دستی و سنتی آغاز کرده و به موفقیت‌های نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در این راه نایل آمده‌اند که ناشی از عوامل مساعد زیر میباشد:

۱- عدم مشابهت و فقدان جنبه رقابتی این فرآورده‌ها با کالا‌های صنعتی کشورهای پیشرفته.
۲- ارزانی نسبی قیمت این محصولات بعلاوه پائین بودن سطح دستمزدها در ممالک در حال توسعه.

۳- بالا بودن قدرت خرید و «تمایل نهانی به مصرف» مردم در کشورهای پیشرفته و علاقه به

فروش دائمی در ممالک خارجی نموده‌اند از جمله دولت هند تاکنون چندین فروشگاه صنایع دستی در فرانسه، ایالات متحده، کانادا و آفریقای شرقی تاسیس کرده و برای این منظور اقدام به تشکیل شرکت صادراتی خاص نموده است.

اثرات جانبی صنایع دستی و روستایی

معمولاً هریک از فعالیتهای اقتصادی علاوه بر آثار و نتایجی که مستقیماً از آن حاصل می‌شود دارای یک سلسله اثرات جانبی و تبعی نیز میباشد. آثار مزبور بعلاوه اختلاطی که با سایر فعالیتهای بخشهای اقتصاد پدید می‌آید قابل سنجش و محاسبه نبوده و کمتر مورد توجه قرار میگیرد. در رشته صنایع دستی و روستایی بعلاوه تنوع فوق‌العاده مواد مصرفی و کالا‌های تولید شده اثرات جانبی و تبعی آن بر سایر فعالیتهای قابل ملاحظه است. بخش اول: ایجاد تقاضا برای برخی مواد اولیه و کالا‌های نیمه ساخته در مورد مواد اولیه و خام که اغلب در محل استقرار صنایع دستی، تهیه و تولید میشود و وابستگی و اثر متقابل فوق‌العاده زیاد میباشد. بعنوان مثال تولید و عرضه موادی نظیر پشم، پنبه، لبریشم طبیعی انواع چوب، پوست، استخوان و عاج حیوانات، سنگ‌های معدنی (کوارتز، کائولین و سیلیس)، خاک رس و غیره در مراکز تولید فرآورده های دستی بستگی زیادی به وجود تقاضا از طرف صنعتگران محلی دارد. به این ترتیب فراهم شدن امکانات جدید جهت فروش محصولات دستی و روستایی در بازارهای غیر محلی نه تنها موجب افزایش در آمد صنعتگران دستی شده بلکه از طریق توسعه سایر فعالیتهای اقتصادی نظیر کشاورزی، دامداری و استخراج معدن، کمک مؤثری به بالا بردن سطح اشتغال و در آمد در مناطق تولید فرآورده های دستی خواهد کرد. در مورد محصولات نیمه ساخت نظیر انواع نخ الیاف مختلف محصولات کارخانجات ریستدگی و همچنین اقسام مفتول و ورق مس و برنج، نیز صنایع دستی میتواند عامل عمده‌ای در بالا بردن سطح تقاضا و رونق بیشتر و در نتیجه موجبی برای توسعه صنایع جدید کارخانه‌ای نیز باشد. البته از دید روز افزون تقاضا برای برخی مواد اولیه طبیعی نظیر ابریشم، پشم، استخوان و عاج و عدم انعطاف عرضه و در نتیجه افزایش فوق‌العاده بهای آنها تدریجاً استفاده از مواد

در بخش تولید باید کاری کرد که بخش خصوصی هم انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و تلاش در راه بالا بردن سطح تولید کشور داشته باشد، زیرا تجربه نشان می‌دهد که اگر تولید فقط بعهده دولت و یا تعاونیها باشد نیروهای فعال و کارداران کشور انگیزه‌ای برای بکار گرفتن تمام امکانات و استعدادهای خود ندارند و بالتسلیحه سطح تولید بالا نمی‌رود. دولت باید سیاستی اتخاذ کند که تولید کننده داخلی احساس نماید که تولید برای او صرف می‌کند در غیر اینصورت نیروی خود را صرف چیزهایی که فقط استفاده داشته باشد و حساب نیاز کشور و مردم را اصلاً نمی‌کند.

۶۲/۵/۱۱

تا وقتی کالاهای ضروری در شهرهای بزرگ بخاطر سوسید دولت ارزانتر از روستاها بدست مردم می‌رسد انگیزه‌ای برای ماندن در روستاها اندیش تولید دام و مواد غذایی ضروری مثل گندم و غیره بوجود نمی‌آید باید به هر نحو شده این سیاست غلط عوض شود و کاری کنیم که تولید کننده روستایی احساس کند ماندن در روستا و تولید نمون به صرفه او خواهد بود.

۶۲/۵/۱۱

شنیده شده است در بعضی جاها بعثت صرف نکردن فروش گندم به دولت کشاورزان و روستائیان آترا به دامهای خودشان می‌دهند و این در حالیست که دولت کمبود گندم را با قیمت‌های سنگین از خارج وارد می‌کند.

۶۲/۵/۱۵

اگر بخواهیم مردم در روستاها و شهرهای کوچک بمانند و کسانیکه به شهرها مهاجرت کرده به روستاهای خود مراجعت کنند و به کوشش و تلاش و خودکفائی و تولید بپردازند باید حتی المقدور از امکاناتی که در شهرها وجود دارد برای آنها نیز تهیه کرد تا آنها بتوانند از مزایای مشابهی که در اختیار شهروندان است بهره‌مند باشند.

۶۲/۶/۱۲

دولت باید در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خود ترتیبی دهد تا انگیزه ماندن در روستاها برای کشاورزان بیشتر بوجود آید. بدیهی است که روستائیان که تولید کنندگان اصلی کشور هستند از امکانات و

نمی‌آید. دولت باید بجای پرداخت کرایه اضافه برای کشتیهای حامل گندم از خارج و تحمل بسیاری از مرزهای دیگر این پول را به روستائیان خودمان بدهد و گندم را از آنها گرانتر خریداری کند تا آنها به جای تولید چیزهای غیر ضروری گندم و جو و دیگر مایحتاج کشور را تولید کنند.

شنیده شده است در بعضی جاها بعثت صرف نکردن فروش گندم به دولت کشاورزان و روستائیان آترا به دامهای خودشان می‌دهند و این در حالیست که دولت کمبود گندم را با قیمت‌های سنگین از خارج وارد می‌کند.

۶۲/۵/۱۵

راه اصلی مبارزه با گرانفروشی، بدست دولت و مسئولین توزیع کالاهای مورد نیاز مردم می‌باشد. به نظر من اگر کار توزیع به دست اصناف و کسبه متعهد سپرده می‌شد و دولت نیز نظارت دقیق اعمال می‌کرد. زمینه کم یاب شدن و بازار سیاه بوجود آمدن برای بعضی کالاها در بعضی مناطق و بالا رفتن فوق العاده قیمت آنها بوجود نمی‌آمد.

بنده کرا را به برادران محترم در هیات دولت این نکته را تذکر داده‌ام که چرا باید مثلاً آهن از ذوب آهن اصفهان و یا بنابر کشور بازحات و مخارج زیادی به تهران منتقل و سپس با تحمل مخارج سنگین، با این کمبود وسائل نقلیه و لوازم یدکی پس از مدتها تعویق و معطلی از تهران به استانهای مجاور، بنادر و کارخانه ذوب آهن منتقل شود؟

متأسفانه در بسیاری از کالاهای دیگر وضع به همین منوال است و در چنین شرایطی است که علاوه بر احتیاج دولت به پرسنل زیادی که انگیزه آنچنانی نیز برای این کار ندارند، زمینه احتکار و گرانفروشی در مناطق دور افتاده و مجازات دادگاهها در این مورد بوجود می‌آید.

۶۲/۹/۱۴

جهاد سازندگی

جهاد سازندگی تا کون در عمران و خدمات روستایی و همچنین بازسازی مناطق جنگی و یاری رساندن به رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه‌ها نقشی فوق العاده ای داشته و باید گفت خدمات جهاد در طول چهارسال پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اندازه بیست الی سی رژیم قبل می‌باشد. آنچه که باید درباره جهاد به آن بیشتر توجه شود

خدمات شهری نیز بهره‌مند شوند. و اگر دولت خریدار محصولات آنها است، محصولات آنان را به قیمتی بخرد که برای آنان صرف داشته باشد، در غیر اینصورت کشاورزان وقتی دیدند مثلاً در شهرها اجناس و مایحتاج ارزان تر و راحت تر بدستشان می‌رسد، حتماً به شهرها هجوم می‌آورند و سطح تولیدات پایین می‌آید.

تجربه نشان داده که دولت بدون انکاء به بخش خصوصی و تقویت آن قادر به تامین مایحتاج مانی و اقتصادی مردم نخواهد بود، زیرا انگیزه و عشق بکار و تجربه بخش خصوصی در بالا برای سطح کار و کیفیت مطلوب آن تاثیر فوق العاده دارد. و اگر دولت بخواهد توزیع باحو سریعتر انجام شود و به پرسنل و حقوق گیرهای دیگر استفاده کنند، و البته باید نظارت خود را بر آنها حفظ کند تا مبادا افراد مغرض و یا سودجویی بنا به اصناف و پیشه‌وران استفاده نمایند.

۶۲/۸/۱۸

من کرا را گفته‌ام ما نباید توقع داشته باشیم کشاورزان عزیز با اینکه می‌بینند نان و گوشت و سایر مایحتاج زندگی در شهرها ارزانتر و راحت تر بدستشان می‌رسد. در روستاها بمانند. طبیعی است که در اینصورت انگیزه‌ای برای ماندن در روستاها و تولید مواد غذایی ندارند. ما باید به دور از شعار واقعا کاری کنیم که ماندن در روستاها برای آنها صرف کند.

۶۲/۸/۲۴

دولت نیز باید در برنامه‌ریزی بودجه کشور به طرح‌هایی که حجم شهرنشینی را کاهش می‌دهد توجه لازم را مبذول نماید و بطور کلی دولت و مجلس باید جلوی حیف و میل‌ها و مخارج و تشکیلات زاید و احیاناً تجملاتی را با قاطعیت بگیرند، و برای این منظور راهی جز به کار گرفتن افراد لایق و با کفایت و کارداران که کارها را به شکل ضرورتی و اعتدالی بدون از کاغذبازی‌های اداری انجام دهند، وجود ندارد.

۶۱/۱۲/۱۴

تا وقتی تولید کننده روستایی از تولید خود احساس صرفه و استفاده نکند انگیزه برای ماندن در روستاها و بالا بردن سطح تولید کشاورزی در او بوجود